فصلنامه علمی
مطالعات حقوق بشر اسلامی

بررسی ارتباط بین دین داری و آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس

منصوره دسترنج[1]، فوژان امیری[2]

۴۰
دوره ۱۵، شماره ۱، پیاپی ۴۰
بهار ۱۴۰۵
مقاله پژوهشی
تاریخ دریافت:
۱۴۰۲-۱۰-۰۲
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴-۱۱-۲۷
صص: ۷۰-۵۳
شاپا چاپی: ۲۳۲۲-۵۶۳۷
رتبه علمی
ب
بررسی صحت گواهی در :
JOURNALS.MSRT.IR

چکیده

علی‌رغم اهمیت روزافزون حقوق شهروندی در جوامع معاصر، نقش دین‌داری به‌عنوان یک نهاد اجتماعی در شکل‌دهی به آگاهی از این حقوق کمتر مورد بررسی قرار گرفته است؛ بنابراین پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین دین‌داری و آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس می پردازد. این تحقیق با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام گرفت. روایی پرسشنامه از طریق اعتبار صوری و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ (آگاهی از حقوق شهروندی: ۰/۸۸۰؛ دین‌داری:۰/۹۰۶) تأیید شد. جامعه آماری در این پژوهش، کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس می باشد. حجم نمونه با فرمول کوکران ۳۰۷ نفر تعیین و به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی ساده انتخاب شدند. داده‌ها در نیمسال اول ۱۴۰۱–۱۴۰۲ جمع‌آوری شد. پس از جمع آوری پرسشنامه ها، داده ها به وسیله نرم افزار آماری **spss** تجزیه و تحلیل شد. نتایج پژوهش نشان داد که سطح دین داری ۱۶/۳ درصد از افراد نمونه بالا، ۶۸/۷ درصد متوسط و ۱۵ درصد افراد سطح دین داری شان ضعیف بوده است. بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی نیز نشان داد که ۱۲/۱ درصد از دانشجویان آگاهی کم، ۷۷/۵ در صد آگاهی متوسط و ۱۰/۴ در صد آگاهی بالایی داشتند. تحلیل دو متغیره نشان داد ابعاد اعتقادی و عاطفی دین داری با آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنادار دارند، در حالی که ابعاد پیامدی و مناسکی چنین رابطه‌ای نشان ندادند. از میان ابعاد حقوق شهروندی، تنها بعد فرهنگی با دین داری رابطه معنادار داشت.

کلیدواژه‌ها:

دین داری، آگاهی، حقوق شهروندی، دانشجویان، دانشگاه پیام نور، بندرعباس، حقوق بشر.

۱. گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران ، تهران، ایران(نویسنده مسئول). md.dastranj@pnu.ac.ir
۲ . گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران ، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسأله

شـــهروندی یکی از مفاهیم بنیادین جوامع مدرن اســـت که بر برابری، عدالت و مشـــارکت فعال اجتماعی تأکید دارد. تحقق شهروندی زمانی ممکن می‌شود که همه‌ی افراد جامعه از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برخوردار بوده و به فرصت‌های اقتصادی دسترسی داشته باشند. شناخت این حقوق و تکالیف متقابل، نقشی کلیدی در ارتقای کیفیت شهروندی و ایجاد جامعه‌ای منسجم مبتنی بر نظم و عدالت ایفا می‌کند (وثوقی و حضرتی، ۱۳۹۱: ۱۴۲).

در دهه‌های اخیر، آگاهی از حقوق شهروندی به یکی از پیچیده‌ترین مسائل سیاسی–اجتماعی تبدیل شده است. شهروندی پدیده‌ای است که همراه با دولت مدرن ظاهر شده و شامل یک سری حقوق اجتماعی، سیاسی، مدنی و فرهنگی است (فتحی و مطلق، ۱۳۹۵: ۶۲). بدون آگاهی کافی از این ابعاد (مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی)، افراد نه‌تنها توانایی مشارکت فعال در امور عمومی را ندارند، بلکه قدرت انتقال خواسته‌های خود به حاکمیت را نیز از دست می‌دهند.

حقوق شهروندی امروزه به‌طور گسترده در کانون توجه فیلسوفان سیاسی، حقوقدانان و جامعه‌شناسان قرار دارد. این مفهوم بر روابط دولت و شـــهروندان نظارت می‌کند؛ از یک‌ســـو به امتیازات دولت و حقوق افراد اشـــاره دارد و از ســـوی دیگر بر بســـترهای تاریخی و اجتماعی رفتار کنشـــگران تأکید می‌کند. آگاهی از حقوق شـــهروندی ســـبب می‌شـــود مشـــارکت افراد در امور شـــهری از پایداری، تداوم و مسئولیت‌پذیری بیشتری برخوردار شود؛ در غیر این‌صورت، بی‌تفاوتی نسبت به هنجارهای اجتماعی پدید می‌آید (ذوالفقاری و عشـــایری، ۱۴۰۱: ۲۷۹). بنابراین در جوامعی که افراد از حقوق و تکالیف خود آگاه‌اند، حریم متقابل حفظ شـــده و مشروعیت نظام اجتماعی تقویت می‌شود.

در این میان، دانشجویان به‌عنوان قشر ممتاز و گروه مرجع، نقشی محوری در شکل‌دهی به آگاهی عمومی و جریان سازی در افکار عمومی دارند. نگرش‌ها و رفتارهای دانشجویان معمولاً الگویی برای سایر اقشار جامعه عمل می‌کند. ازاین‌رو، بررسی آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از سوی دیگر، دین به‌عنوان یک نهاد اجتماعی، همواره در شکل‌دهی به ارزش‌ها، باورها و رفتارهای اجتماعی نقشی تعیین‌کننده داشته است. اگرچه مدرنیزاسیون دین را به حاشیه رانده، واقعیت‌های اجتماعی معاصر نشان می‌دهد که دین‌داری در اشکال متنوع همچنان حضـــور دارد و بر ســـیاســـت‌گذاری‌ها تأثیر می‌گذارد. مطالعه‌ی دین‌داری یکی از محورهای اصـــلی تحقیقات میدانی در جامعه شناسی معاصر است (شجاعی‌زند، ۱۴۰۴: ۱۵۸). دین در ایران و بسیاری از جوامع دیگر، یکی از ارکان اساسی حیات اجتماعی محسوب می‌شود (بابایی و صالحی، ۱۴۰۴: ۸). دین به‌مثابه «راه زندگی»، سنگ بنای سامان اجتماعی و منبع ارزش‌هاست و بر گزینش‌های فردی و زندگی روزمره تأثیر می‌گذارد و نیز تجلی‌گاه روح جمعی و عامل همبستگی اجتماعی است (حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۲).

دانشجویان به‌عنوان قشری که هم متأثر از فرهنگ دینی جامعه هستند و هم در معرض تغییرات ارزشی ناشی از دنیای مدرن قرار دارند، گروه مرجعی مناسب برای بررسی تعامل دین‌داری و آگاهی از حقوق شهروندی به شمار می‌روند. امروزه دین‌داری به‌ویژه در میان جوانان با چالش‌هایی روبه‌رو ست؛ مشارکت کمتر در مناسک دینی و کاهش رغبت به فراگیری آموزه‌های دینی، از جمله نشانه‌های این تحول است. ازآنجا که جوانان اصلی‌ترین گروه در ایجاد خرده‌فرهنگ‌ها و سبک‌های جدید زندگی در جوامع مدرن هستند، شناخت درک آنان از دین‌داری اهمیتی راهبردی دارد.

با توجه به مطالب فوق، شناخت وضعیت دین‌داری دانشجویان و رابطه‌ی آن با میزان آگاهی از حقوق شهروندی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. بنابراین پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه‌ی بین دین‌داری و آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه پیام‌نور بندرعباس طراحی شده است. این مطالعه در صدد پاسخگویی به سه سؤال اصلی است: وضعیت دین‌داری دانشجویان چگونه است؟ میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی در چه سطحی قرار دارد؟ و چه رابطه‌ای بین دین‌داری و آگاهی از حقوق شهروندی وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

شیرعلیزاده و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به "بررسی جامعه شناختی رابطه بین دینداری با آشنایی به حقوق شهروندی" پرداخته اند. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال بودند که ۲۴۲۷ نفر می باشد. روش نمونه گیری آن طبقه ای تصادفی ساده متناسب با حجم است که از میان جامعه آماری تعداد ۳۳۱ نفر از دانشجویان انتخاب شده اند. یافته های پژوهش بیانگر این بود که آشنایی از حقوق شهروندی با ابعاد دینداری (بعد اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی) رابطه معنی داری دارد.

میرفردی و ولی نژاد (۱۳۹۵) در تحقیقی به مطالعه نقش تفاوت های جنسیتی در ابعاد دین داری دانشجویان دانشگاه یاسوج پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان نشان داد که تفاوت معناداری در ابعاد دین‌داری زنان و مردان وجود دارد و دین‌داری زنان دانشجو از مردان بالاتر است.

بهرامی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به "تحلیل میزان عوامل مؤثر بر آگاهی از شهروندی در بین دانش آموزان شهرستان پلدختر" پرداخته اند. روش پژوهش از نوع پیمایشی-توصیفی و تکنیک جمع آوری داده ها، پرسشنامه بوده است. تعداد نمونه تحقیق ۲۵۷ نفر از بین ۷۸۰ دانش آموزان ناحیه پلدختر با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شده اند. نتایج تحقیق نشان داد در میان ابعاد مختلف حقوق شهروندی، بعد اجتماعی بیشترین و بعد سیاسی حقوق شهروندی کمترین میزان آگاهی از حقوق شهروندی را داشته اند. علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان داد که بین جنسیت، میزان عضویت در انجمن ها و کانونهای مدرسه، تحصیلات والدین، مکان (روستایی یا شهری بودن) و استفاده از رسانه های جمعی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی داری وجود دارد.

سجادی و واحدی یگانه (۱۳۹۶) در مطالعه ای به "برر سی و سنجش میزان آگاهی شهروندان سنندج از حقوق شهروندی" پرداخته اند. حجم نمونه این تحقیق از طریق فرمول کوکران، ۳۸۳ نفر محاسبه شد که برای جلوگیری از اشتباهات احتمالی و نیز دستیابی به نتایج دقیق تر به ۴۰۰ پرسشنامه افزایش پیدا کرد. روش جمع آوری داده ها با استفاده از پرسشنامه بوده است. یافته های تحقیق حاکی از آن است که میزان آگاهی جامعه آماری شهر سنندج در زمینه حقوق شهروندی در سطح متوسط به پایین قرار دارد و شاخص مذکور (آگاهی شهروندان) با جنسیت، شغل و تحصیلات رابطه معناداری دارد.

متولیان و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی به بررسی میزان دین داری و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه مازندران پرداخته اند. نتایج نشان داد بیشتر دانشجویان دین داری بالایی دارند و تفاوتی در دین داری پسران و دختران وجود ندارد؛ اما متأهلان از مجردها دین دارترند.

بابایی و صالحی (۱۴۰۴) در مطالعه ای به برر سی شنا سایی شاخ صه ها، چالش ها و راهکارهای دین داری در میان جوانان پرداخته اند. جامعه آماری ۲۶ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه فرهنگیان استان کردستان بود. نتایج پژوهش نشان داد چالش های موجود در م سیر دین داری چند بعدی اند و هم از محیط افراد و شرایط تربیتی و آموز شی سرچ شمه می گیرند و هم تحت تأثیر نگرش و درونیات افردند.

کوشا و اسماعیلی (۱۴۰۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر فرهنگ دانشگاهی بر دین داری دانشجویان پرداخته اند. بر اساس نتایج تحقیق می توان گفت تغییرات صورت گرفته در دین داری دانشجویان بیش از آنکه حاصل استدلال های فلسفی و الهیاتی منطقی و عقلانی دان شجویان با شد، حا صل فرایند معا شرت های اجتماعی در انجمن های علمی، خوابگاه های دان شجویی و ت شکل های دانشجویی است.

کاظمی و حسنی باقری (۱۴۰۱) در تحقیقی به برر سی رابطه بین آگاهی از حقوق شهروندی و فرهنگ شهروندی پرداخته اند. جامعه آماری دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی سیرجان بود که تعداد ۳۵۱ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی و فرهنگ شهروندی آنان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

زمبیلاس و لوکایدیس[1](۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان روابط در حال ظهور بین آموزش دینی و آموزش شهروندی در قبرس انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد رابطه منفی بین آموزش و پرورش دینی و آموزش شهروندی وجود دارد.

اینگلهارت[2](۲۰۱۸) در پژوهش تطبیقی نشان داد که سکولاریزاسیون و دین‌داری در کشورهای مختلف تأثیرات متفاوتی بر آگاهی شهروندی دارند.

اینگلهارت (۲۰۲۱) در بررسی داده‌های (۲۰۱۷–۲۰۲۰) نشان داد که باورهای دینی با ارزش‌های شهروندی در کشورهای درحال‌توسعه هنوز رابطه معناداری دارند.

---

۱ Zembylas & Loukaidis

۲Inglehart

اکسوی و ورتز[1](۲۰۲۴) با تحلیل داده‌های طولی دو پنل بریتانیایی نشان دادند مشارکت دینی با اعتماد اجتماعی، داوطلب‌بودن و رفتار تعاونی رابطه مثبت دارد. این یافته نظریه لنسکی درباره بعد مشارکتی دین را تأیید می‌کند.

تاتالا و همکاران[2](۲۰۲۴) در مطالعه‌ای بر ۵۳۵ جوان‌بزرگسال نشان دادند که ابعاد شخصی دین‌داری با مشارکت مدنی رابطه میانجی دارد.

وارور[3](۲۰۲۴) در بررسی نسل جوان اندونزی با رویکرد توصیفی–همبستگی نشان داد همبستگی مثبت معنادار بین دین‌داری و یکپارچگی اجتماعی (مؤلفه‌ای از شهروندی مسئولانه) را در میان نسل جوان وجود دارد.

لیم و ویتز[4](۲۰۲۴) در پژوهشی طولی با داده‌های پانل ملی مطالعه جوانان و دین نشان دادند که دین‌داری دوران جوانی بر داوطلب‌بودن در بزرگسالی تأثیر معنادار دارد. این یافته‌ها از اهمیت بررسی تعامل دین‌داری و شهروندی در میان دانشجویان حکایت می‌کند.

لین و همکاران[5](۲۰۲۵) در مطالعه‌ای بر ۳۰۷ دانشجوی دانشگاهی نشان دادند که عوامل شخصی–نهادی از جمله باورهای ارزشی، پیش‌بین معنادار مشارکت مدنی هستند.

مبانی نظری پژوهش

-نظریه دین داری

کنت[6] دین را یکی از عوامل اجماع و وحدت اجتماعی قلمداد می کند و آن را سنگ بنای سامان اجتماعی می داند. از نظر او، دین همان شیرازه نیرومندی است که افراد جامعه را با یک کیش و نظام عقیدتی مشترک به همدیگر پیوند می زند (کوزر،۱۳۷۷، ص ۳۴). آگوست کنت سه بعد جداگانه برای دین برمی شمارد. بعد عقلی یا همان اعتقادات جزمی دین، بعد عاطفی که در عبادات و پرستش نمودار می گردد و بعد عملی که او آن را نظام می نامید. به رغم تصریح بعد عاطفی به عنوان یکی از ابعاد سه گانه دین، جایگاه و اهمیت آن در اندیشه کنت همطراز ابعاد عقلی و عملی نیست (آرون، ۱۳۷۰: ۱۱۶).

وبر[7] از جمله جامعه شناسان کلاسیک است که بخش قابل توجهی از آثارش به دین اختصاص دارد. وبر از دو نوع دین شریعتی و رستگاری یاد می کند و از دو نوع خداشناسی زاهدانه و عارفانه سخن می گوید. وبر گونه شناسی دیگری از دین داری ارایه می کند که ملاک آن خصوصیات روانی در دین داری است. او بر اساس قابلیت های دین ورزی که در افراد متفاوت است، سه نوع دینداری خواص، عوام و دینداری رسمی را از هم تفکیک می کند. اما گونه شناسی سوم او از دین داری، مربوط به اثر شرایط و

---

۱ Aksoy, O., & Wiertz
۲ Tatala & et al
۳ Warwer
٤ Lim & Wiertz
٥ Lin & et al
٦ Comte
۷ Weber

موقعیت های اجتماعی اســـت، بدین معنا که معتقد اســـت: هر یک از اقشـــار و گروههای اجتماعی بر حســـب پایگاه اجتماعی و اقتضائات موقعیتی شان از دینداری خاصی تبعیت می کنند (وبر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۹-۳۲۳).

دورکیم نظریه پردازی ا ست که بی شترین تأثیر را بر جامعه شنا سی دین دا شته ا ست. وی برای شناخت همه ادیان بـشری به ابتدایی ترین و ســـاده ترین صـــورت دین توجه می کند (همیلتون، ۱۳۸۹: ۱۷۱). وی نه به ماهیت دین بلکه به کارکرد های آن می پردازد و نقش دین در ان سجام اجتماعی جوامع سنتی را مهم قلمداد می کند (ریتزر، ۱۳۸۳: ۲۳). از نظر دورکیم[۱] سرچ شمه دین خود جامعه ا ست. این جامعه ا ست که بعضی چیزها را شرعی و برخی دیگر را کفرآمیز می شنا سد. از نظر دورکیم، جامعه و دین از یک گوهرند، دین همان شیوه ای ا ست که جامعه از طریق آن خودش را به صورت یک واقعیت اجتماعی غیرمادی متجلی می سازد (ریتزر، ۱۳۷۹، ص ۲۳). از دیدگاه دورکیم دین عامل انسجام و وحدت اجتماعی در بین افراد جامعه ا ست. بنابراین بین دین داری و پدیده های اجتماعی می تواند رابطه وجود داشته باشد و دین می تواند میزان آگاهی و رفتار اعضای جامعه نسبت به پدیده های اجتماعی موجود از جمله حقوق شهروندی را تحت تأثیر قرار دهد.

دورکیم دین را شامل عقاید[۲] و مناسک[۳] و احساس می داند. از نظر او، عقاید از تصورات تشکیل می شوند و مناسک نیز وجوه معینی از اعمال مشخص است. سرشت خاص موضوع مناسک دینی در اعتقاد است (شجاعی زند و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۶۵-۶۶).

مطابق نظر دورکیم فرد در اثر شرکت در مناسک دینی دیندار می شود. عمل و مناسک دینی نخستین عنصر در وقوع دینداری است. نیروی دینی چیزی جز احساسی که از جمع در اعضای آن پدید می آید، نیست (دورکیم، ۱۳۸۳: ۳۱۴).

لنسکی[۴] معتقد است که دین عامل مؤثری است که اندیشه و عمل فرد را حتی در جوامع مدرن متأثر می سازد. او برای سنجش این تأثیرگذاری به مهم ترین جنبه های دینداری یعنی جهت گیری دینی و میزان درگیر بودن با گروه دینی می پردازد. به اعتقاد لنسکی درگیر بودن گروه دیندار، از دو جنبه مشارکتی و معاشرتی برخوردار است که می تواند کم یا زیاد باشد. او بعد مشارکتی را از لحاظ میزان حضور در برنامه ها و فعالیت های رسمی و جمعی نهاد دین و بعد معاشرتی را از حیث داشتن پیوندهای دوستانه و عاطفی هم کیشان و اعضای کلیسای خود مورد توجه قرار می دهد (حقیقتیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۸-۹).

رابرتســـون اســـمیت[۵] معتقد اســـت دین را نباید وســـیله ای برای تکریم و نجات ارواح تلقی کرد بلکه باید آن را طریقه ای در صیانت و رفاه جامعه قلمداد نمود. وی مذهب را حافظ مقررات، نوامیس و نظم اخلاقی جامعه می داند و آنچه برای او مهم ا ست عملکردهای دین اســـت و نه باورداشـــتها. به ادعای رابرتســـون دین دو کارکرد عمده دارد: یکی تنظیم کننده و دیگری برانگیزاننده. تنظیم کننده رفتار فردی برای خیر همگان و یا به سخن دیگر برای گروه و برانگیزاننده احساس مشترک جهت وحدت اجتماعی که از طریق مناسک مذهبی انجام می شود (همیلتون، ۱۳۸۹: ۱۷۰).

---

۱ Durkheim
۲ Idea
۳ Ritual
٤ Lensky
٥ Robertson Smith

کینگزلی دیویس[1] معتقد است که تفاوت معناداری بین داوری و تبیین محقق با فهم کنشگر دینی مشاهده می شود. وی دین را عامل انسجام بخش در جامعه می ستاید و اضافه می کند که افراد از طریق شرکت در مراسم دینی، وابستگی شان را به اهداف گروهی افزایش می دهند. دیویس از تمایز بین امر مقدس و نامقدس استفاده کرده و آن را دارای خصلتی نمادین می داند (توسلی، ۱۳۸۰).

گلاک و استارک[2] به منظور درک شیوه های مختلفی که مردم با توسل به آن خود را مذهبی تلقی می کنند چارچوبی چندبعدی از دین داری معرفی نمودند. به نظر گلاک و استارک همه ادیان جهانی به رغم آنکه در جزئیات بسیار متفاوت اند، دارای حوزه های کلی هستند که دین داری در آن ها جلوه گر می شود. این حوزه ها که می توان آن ها را به مثابه ابعاد اصلی دین داری در نظر گرفت عبارتند از: اعتقادی، مناسکی، تجربی، پیامدی (گلاک و استارک، ۱۹۶۵: ۱۸-۳۷).

در پژوهش حاضر بر مبنای نظریه گلاک و استارک دین داری در ابعاد اعتقادی، پیامدی، مناسکی و تجربی مورد بررسی قرار گرفته است.

-نظریه شهروندی

دارندورف، شهروندی را موتور پویای حرکت گروههای اجتماعی می داند، چرا که اگر چه شهروندی یک موقعیت حقوقی برای همه افراد به شمار می رود اما در واقع یک امتیاز برای عده ای از افراد به شمار می رود که از آن برخوردارند (**Dahrendrof,1994: 14-18**).

مارشال بر آن است که شهروندی پایگاهی است که به تمامی افرادی که عضو تمام عیار اجتماع هستند، داده می شود. این افراد همگی دارای جایگاه برابر و حقوق، وظایف و تکالیف متناسب با این پایگاه هستند (**Friedman,2002: 168**). در واقع شهروندی موقعیتی است که شامل مجموعه ای از حقوق، وظایف و تعهدات است و بر برابری، عدالت و استقلال دلالت دارد (فالکس، ۱۳۸۱). به اعتقاد مارشال، اولاً شهروندی وضعیتی است که ناشی از عضویت کامل فرد در اجتماع است، ثانیاً کسانی که حائز این وضعیتند حقوق و تکالیف یکسان و برابری دارند (روشه، ۱۳۷۶: ۲۰۷-۲۰۸).

حقوق شهروندی ازجمله مفاهیم نوپدیدی است که مارشال آن را دارای سه حوزه اصلی حقوق مدنی(آزادیهای فردی، آزادی بیان، حق مالکیت، حق دادرسی و عدالت)که به حقوق فرد در قانون اطلاق می شود.حقوق سیاسی(حق رأی، حق شرکت در انتخابات، حق مشارکت سیاسی)و حقوق اجتماعی(حق بهره مندی از امنیت، رفاه اجتماعی و خدمات مدنی)می داند (ذوالفقاری و عشایری، ۱۴۰۱: ۲۷۶).

یکی از جدیدترین رویکردهای تئوریکی در خصوص حقوق شهروندی اندیشه های پست مدرن است. در دوران پست مدرن ایده های جدیدی از حقوق شهروندی مطرح شد که در این راستا می توان به ایده های افراد ذیل توجه نمود. آنتونی گیدنز معتقد به

---

[1] Kingsley Davis
[2] Glock & Stark-

نقش مبارزات اجتماعی در د ستر سی به حقوق شهروندی ا ست و رابرت دال وجود ساختارهای دموکراتیک را برای رفع حقوق شهروندان ضروری می داند (فیلیوجرگ، ۱۳۸۱: ۶). از اندیشمندان دیگر پ ست مدرن در زمینه حقوق شهروندی برایان اس ترنر است. ترنر حقوق شهروندی را مجموعه ای از حقوق قانونی و ر سمی می داند که برای یک جامعه معین تعریف شده است و در آن شهروند مدعی برخورداری از منابع ملی می شود (هزار جریبی و امانیان، ۱۳۹۰). به عقیده ترنر، شهروندی بر د سترسی افراد و گروهها به منابع کمیاب در جامعه نظارت دارد. این منابع شامل منابع اقتصادی چون م سکن، درآمد، منابع فرهنگی چون آموزش و منابع سیا سی چون آزادی بیان، مذهب و عقیده ا ست (شیانی، ۱۳۸۱: ۱۷). ترنر شهروندی را شامل دو فرایند می داند:۱–فرایند برخورداری ۲–فرایند محرومیت. فرایند برخورداری از طریق بازتخصیص منابع، موجب دستیابی شهروندان به منابع و امکانات جامعه می گردد و فرایند محرومیت از طریق ساخت هویت مشترک، دیگران را از مزایای شهروندی محروم می سازد (ترنر، ۲۰۰۸: ۴۸).

تالکوت پارسونز شهروندی را نتیجه ظهور جامعه سرمایه داری صنعتی و تغییراتی که در این جوامع رخ داده است، می داند . مثلا شهری شدن و عقلانیت بستر منا سبی را برای این پدیده به وجود آورده ا ست .وی با مبنا قرار دادن متغیرهای الگویی عام گرایی و جامعه مبتنی بر قرارداد عرفی و مدنی تصویری از شهروندی به عنوان کردار اجتماعی معطوف به عضویت اجتماعی و انسجام عرضه می کند (ذوالفقاری و عشایری، ۱۴۰۱: ۲۷۸).

از نظر پار سونز شهروندی به معنی برخورداری همه اقشار و گروههای اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است. بنابراین، آگاهی از حقوق شهروندی نیازمند تأمین انواع مختلف منابع و ایجاد فرصت های مناسب و بازتولید ارزش های عام از یک طرف و نگرش مناسب به این حقوق از سوی دیگر است. اهمیت ویژه ای که پارسونز به شهروندی می داد ناشی از این واقعیت بود که او تصور می کرد در جوامع دموکراتیک، شهروندی به معیار اصلی همبستگی ملی تبدیل می شود. وی در پی آن بود که خصلت پلورالیستی جامعه آمریکایی را که مبتنی بر تفاوت های مذهبی، قومیتی، نژادی و ... بود به یک هدف و هویت م شترک ملی بدل نماید و شهروندی عامل ا صلی این وحدت و همب ستگی بود. او از حق رأی، نامزدی مقام های انتخابی، حق شرکت در احزاب و مشارکت سیاسی به عنوان حقوق شهروندی دفاع می کند (نوابخش، ۱۳۸۵: ۲۲).

آلن سیزر و وان هبرت (۲۰۰۵) در تحلیل ابعاد شهروندی بیان می کنند که شهروندی دارای ۴ بعد است: بعد مدنی، بعد سیاسی، بعد اجتماعی–اقتصادی، بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی. بعد مدنی شهروندی به شیوه زندگی شهروندان که معمولاً در راستای اهداف آزادمنشانه جامعه است، اشاره دارد (به نقل از فالکس، ۱۳۸۴: ۱۳۳).

ژانوسکی (۱۹۹۸) شهروندی را عضویت فعال افراد در قلمرو دولت–ملت دانسته که به موجب آن شهروندان از حقوق و تعهدات برابر برخوردارند. وی به طور کلی چهار نوع حقوق شهروندی را از هم متمایز می کند: حقوق قانونی شامل حق آزادی بیان، آزادی مذهب، حقوق مالکیت و خدمات... –حقوق سیاسی شامل: حق رأی، حق تشکیل حزب سیاسی، حق اعتراض، جنبش

و ...–حقوق اجتماعی شامل حق آموزش، مستمری، غرامت بیکاری و ...–حقوق مشارکت شامل حقوق مداخله در بازار کار، امنیت شغلی، خدمات ایجاد شغل و... (ژانوسکی، ۱۹۹۸: ۱۶۷).

فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی:

بین دین داری و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.

فرضیه های فرعی:

بین ابعاد دین داری (اعتقادی، پیامدی، عاطفی، مناسکی) و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.

بین دین داری و ابعاد آگاهی از حقوق شهروندی (مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، جنسیتی) رابطه وجود دارد.

روش شناسی

این پژوهش با روش پیمایش و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام گرفته است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۱–۱۴۰۲ (مهر تا بهمن ۱۴۰۱) معادل ۳۸۰۰ نفر بوده اند که با روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی و با استفاده از فرمول کوکران، ۳۰۷ نفر از آنها مورد مطالعه قرار گرفتند. داده های مورد استفاده پس از جمع آوری و تدوین، به کمک نرم افزار آماری **spss** تجزیه و تحلیل گردید و سپس به منظور تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی (توزیع فراوانی و درصد) و تکنیک های آمار تبیینی چون آزمون رگرسیون، ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

روایی و پایایی:

در پژوهش حاضر برای محاسبه اعتبار اندازه گیری از روش اعتبار صوری و محتوایی استفاده شده است. لذا به منظور اطمینان یافتن از این که، آیا ابزار پرسشنامه همان چیزی را می سنجد که مورد انتظار است، سؤال های طراحی شده را اساتید مورد بررسی قرار دادند و ا شکال های آن رفع گردید. در واقع این بدان معنا ست که به منظور اعتبار بخ شی به پر سـ شنامه از "اعتبار صوری" استفاده شده است. سؤال ها به صورت طیف مربوط به متغیرهای آگاهی از حقوق شهروندی، دین داری جمعاً ۴۷ سوال می باشد. به منظور سنجش پایایی سؤال های پر سـ شنامه از روش " ضریب آلفای کرونباخ" ا ستفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ مربوط به متغیرهای آگاهی از حقوق شـهروندی، دین داری از طریق نرم افزار **spss** محاسـبه گردید. نتایج گویای آن بود که ضـریب آلفای کرونباخ برای طیف های آگاهی از حقوق شـهروندی (با ۲۱ گویه) ۰/۸۸۰، دین داری (با ۲۶ گویه) ۰/۹۰۶ بوده اسـت. با توجه به مقادیر محا سبه شده آلفای کرونباخ، گویه ها از قابلیت اعتماد لازم برخوردار بوده و در پر سـ شنامه نهایی از این سؤالات ا ستفاده گردید.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش:

الف: حقوق شهروندی

حقوق شـهروندی به معنای مجموعه ای از حقوق سـیاسـی، مدنی، اجتماعی، فرهنگی و جنسـیتی اسـت که شـهروند از آن برخوردار می شـود. منظور از میزان آگاهی از حقوق شـهروندی این اسـت که افراد در ذهن خود در مورد حقوق شـهروندی چه چیزهایی می دانند و این دانسته ها چقدر با واقعیت تطابق دارد.

حقوق شهروندی: حقوق شهروندی، عضویت شهروند در محدوده حاکمیت دولت ملی با تأکید بر حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی هر شهروند همراه است. چنین حقوقی را مجموعه حقوق شهروندی گویند. مارشال شهروندی را به سه عنصر مدنی، سیاسی و اجتماعی تحلیل می کند که از جمله حقوقی است که شهروند در رابطه با دولت دارد (سالاری و صفوی سهی، ۱۳۹۶: ۱۱۸). متغیر آگاهی از حقوق شـهروندی، در قالب مؤلفه های حقوق مدنی، حقوق سـیاسـی، حقوق اجتماعی، حقوق فرهنگی و حقوق جنسیتی مورد سنجش قرار گرفته است. این متغیر به صورت طیف لیکرت با پنج گزینه برای پاسخ دهی به آن سنجیده شده است.

حقوق اجتماعی: به عضویت کامل در عرصه اجتماعی جامعه تعبیر شده است و شامل: حق تشکیل سازمان، انجمن و سندیکا، حق برخورداری از بهداشت عمومی، حق برخورداری از آموزش فراگیر و عمومی، حق برخورداری از حمایت قانون.

حقوق مدنی: بر آزادی های فردی تأکید دارد. آزادی بیان، اندیشه، عقیده و ... از جمله حقوق مدنی به شمار می روند.

حقوق سیاسی: حقوقی است که برای مشارکت فعالانه در فرایندهای دموکراتیک حکومت ضروری است و موارد زیر را در برمی گیرد: حق رأی و امکان تصدی مسئولیت در سطح حکومت، آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن، آزادی دسترسی به اطلاعات و امکان فعالیت های سیاسی.

حقوق فرهنگی: حقوق فرهنگی شهروندی بر ملاحظه و در نظر گرفتن تنوع، تعدد فرهنگی و احترام به رسمیت شناختن ارزش ها و فرهنگ های دیگر در سـطح اجتماع تأکید دارد (نیازی، ۱۳۹۵: ۲۱). حقوق قومیت های مختلف در جامعه و آزادی در ارائه فعالیت های فرهنگی و باورهای مربوط به خود اسـت. حق دسـت یابی به فرهنگ و زبان اکثریت، احترام به تفاوت های قومی و فرهنگی و برابری در آموزش، حق داشتن سنت ها و شیوه های زندگی متفاوت، حفاظت از فرهنگ و زبان اقلیت ها از مهم ترین حقوق فرهنگی به شمار می رود.

حقوق جنسیتی: بر محور حذف هر گونه تبعیض علیه زنان، مساوی بودن در برابر قانون و حمایت از زنان و مشارکت آنان در عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... مطرح شده است.

ب: دین داری

دین داری عبارت اسـت از میزان علاقه و احترامی که پیروان یک دین برای آن قایل هسـتند (سـراج زاده، ۱۳۷۷، ص ۱۰۵). همچنین مجموع شناختها، احساسها و تمایلات نسبتاً پایدار و مثبت نسبت به دین که در وضعیت عادی، طبیعی، اجتماعی و روانی در فرد وجود داشـته باشـد و در کنش های وی نسـبت به نیروی جذاب (خداوند)، خود، جامعه و تاریخ به ظهور برسـد (ربانی و

گنجی، ۱۳۸۷، ص ۴۳). و یا در تعریفی ساده تر می توان گفت که دین داری عبارت است از پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی است، به گونه ای که شخص دیندار خود را ملزم به تبعیت و رعایت از این مجموعه بداند (حشمت یغمایی، ۱۳۸۰، ص۱۹۰). از نظر شجاعی زند دین در کامل ترین صورت آن، متضمن پاسخ گویی به تمامی نیازها و ابعاد وجودی انسان است. از نظر وی قابل دفاع ترین الگوی مطرح شده از ابعاد دین اسلام، الگوی پنج بعدی اعتقادات، ایمانیات، عبادیات، اخلاقیات و شرعیات است (شجاعی زند و همکاران، ۱۳۸۵: ۵). دین داری در این پژوهش با شاخص های پیامدی، مناسکی، اعتقادی و عاطفی بررسی شده است. برای سنجش هر گویه سطح سنجش رتبه ای لحاظ شده و به صورت طیف لیکرت سنجیده شده است.

بعد پیامدی: به پیامد و آثاری که اعتقادات دینی در زندگی اجتماعی افراد می گذارد معطوف ا ست. بر رفتار روزمره و غیر دینی افراد ناظر است. برای عملیاتی کردن این بعد از شش گویه استفاده گردید.

بعد مناسکی: عبارت است از آداب و رسوم و مراسمی که هر دین از پیروان خود انتظار دارد که آن ها را به جا آورند. بعد مناسکی خود به دو دسته مناسک مثل نماز، روزه و پرستش و دعا تقسیم می شود. شامل تمام شعائر یا مناسک (رفتارهای دینی) و دعاهاست. شرکت در نماز جماعت، شرکت در مراسم مذهبی. به منظور سنجش این بعد از هفت گویه استفاده شده است.

بعد اعتقادی: باورهایی که پیروان دین به آن اعتقاد دارند. شامل اعتقاد به خدا، زندگی پس از مرگ، خواندن نمازهای روزانه، گرفتن روزه، و ... که انتظار می رود پیروان هر دین آن ها را به جا آورند. برای عملیاتی کردن این بعد از هفت گویه استفاده گردید.

بعد عاطفی: به جنبه معنوی و فردی دین گفته می شود. موقعیت های ایجاد شده ای که فرد، خود را در مقابل یک نیروی برتر می بینند. برای سنجش این بعد از شش گویه استفاده گردید.

یافته های پژوهش

الف: یافته های توصیفی

جدول شماره ۱ توزیع فراوانی و در صد پا سخگویان را بر ح سب متغیرهای تحقیق ن شان می دهد. یافته ها ن شان می دهد از مجموع دانشجویان ۵۳/۱ درصد دختر و ۴۶/۹ درصد پسر می باشد. از لحاظ متغیر سن، ۵۰/۸ درصد از پاسخگویان در رده سنی ۱۸ تا ۲۴ سال، ۲۳/۵ درصد در رده سنی ۲۵ تا ۲۹ سال، ۱۱/۴ درصد بین ۳۰ تا ۳۴ سال و ۱۴/۳ درصد بالای ۳۵ سال قرار گرفته اند. میانگین سن دانشجویان ۲۶ سال بود. ۶۲/۲ درصد مجرد و ۳۷/۸ درصد متأهل، ۵۰/۵ درصد شاغل و ۴۹/۵ درصد غیر شاغل بودند. همچنین ۸۱/۴ درصد دانشجویان ساکن شهر و ۱۸/۶ درصد ساکن روستا می باشند. بر اساس رشته تحصیلی ۴۳/۶ درصد دانشجویان رشته های علوم انسانی، ۱۸/۹ درصد رشته های علوم پایه، ۳۰/۰ درصد رشته های فنی–مهندسی، ۵/۲ درصد رشته های هنر و ۲/۳ درصد رشته های کشاورزی بودند.

جدول ۱- توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای تحقیق

متغیر		تعداد	درصد	متغیر		تعداد	درصد
گروههای سنی	۱۸-۲۴	۱۵۶	۵۰/۸	جنسیت	دختر	۱۶۳	۵۳/۱
	۲۵-۲۹	۷۲	۲۳/۵		پسر	۱۴۴	۴۶/۹
	۳۰-۳۴	۳۵	۱۱/۴	وضعیت اشتغال	شاغل	۱۵۵	۵۰/۵
	۳۵سال به بالا	۴۴	۱۴/۳		غیرشاغل	۱۵۲	۴۹/۵
رشته تحصیلی	علوم انسانی	۱۳۴	۴۳/۶	وضعیت تأهل	مجرد	۱۹۱	۶۲/۲
	علوم پایه	۵۸	۱۸/۹		متأهل	۱۱۶	۳۷/۸
	فنی-مهندسی	۹۲	۳۰/۰	محل تولد	شهر	۲۵۰	۸۱/۴
	هنر	۱۶	۵/۲		روستا	۵۷	۱۸/۶
	کشاورزی	۷	۲/۳	جمع کل پاسخگویان		۳۰۷	۱۰۰/۰

جدول شماره ۲ توزیع فراوانی ابعاد آگاهی از حقوق شهروندی و ابعاد دین داری را نشان می دهد. نتایج نشان می دهد که سطح دین‌داری ۱۶/۳ در صد افراد نمونه بالا، ۶۸/۷ در صد متو سط و ۱۵ در صد پایین بود. بیشترین دین‌داری در بعد عاطفی (۱۶ درصد بالا) و کمترین در بعد پیامدی (۱۳ درصد بالا) مشاهده شد. از نظر آگاهی شهروندی، ۱۲/۱ درصد آگاهی کم، ۷۷/۵ درصد متو سط و ۱۰/۴ در صد بالا دا شتند. آگاهی از حقوق اجتماعی (۲۷/۷ در صد بالا) بیشترین و آگاهی از حقوق مدنی (۱۰/۴ در صد بالا) کمترین سطح را داشتند.

جدول ۲- توزیع پاسخگویان بر حسب ابعاد آگاهی از حقوق شهروندی و ابعاد دین داری

متغیر		کم	متوسط	زیاد	متغیر		کم	متوسط	زیاد
ابعاد آگاهی از حقوق شهروندی	حقوق مدنی	۲۹ ۹/۴	۲۴۶ ۸۰/۱	۳۲ ۱۰/۴	ابعاد دین داری	بعد اعتقادی	۵۲ ۱۶/۹	۲۰۷ ۶۷/۴	۴۸ ۱۵/۶
	حقوق سیاسی	۳۶ ۱۱/۷	۲۳۳ ۷۵/۹	۳۸ ۱۲/۴		بعد پیامدی	۲۲ ۷/۲	۲۴۵ ۷۹/۸	۴۰ ۱۳/۰
	حقوق اجتماعی	۳۸ ۱۲/۴	۱۸۴ ۵۹/۹	۸۵ ۲۷/۷		بعد عاطفی	۵۰ ۱۶/۳	۲۰۸ ۶۷/۸	۴۹ ۱۶/۰
	حقوق فرهنگی	۳۷ ۱۲/۱	۲۱۸ ۷۱/۰	۵۲ ۱۶/۹		بعد مناسکی	۴۳ ۱۴/۰	۲۱۹ ۷۱/۳	۴۵ ۱۴/۷
	حقوق جنسیتی	۲۹ ۹/۴	۲۴۱ ۷۸/۵	۳۷ ۱۲/۱		دین داری	۴۶ ۱۵/۰	۲۱۱ ۶۸/۷	۵۰ ۱۶/۳
	حقوق شهروندی	۳۷ ۱۲/۱	۲۳۸ ۷۷/۵	۳۲ ۱۰/۴	جمع کل پاسخگویان			۳۰۷	۱۰۰/۰

ب: یافته های استنباطی

چنان که در جدول شماره ۳ مشاهده می شود، میزان ضریب همبستگی بین دین داری و آگاهی از حقوق مدنی ۰/۰۰۸ بوده که در سطح ۰/۸۸۹ معنی دار نمی با شد. بنابراین فرض تحقیق رد و فرض صفر تأیید می شود. بنابراین بین دین داری و میزان آگاهی از بعد مدنی حقوق شهروندی رابطه ای وجود ندارد. میزان ضریب همبستگی بین دین داری و آگاهی از حقوق سیا سی ۰/۰۸۹ بوده که در سطح ۰/۱۲۱ معنی دار نیست، بنابراین فرض تحقیق رد و فرض صفر تأیید شده و می توان گفت بین دین داری و میزان آگاهی از بعد سیاسی حقوق شهروندی رابطه ای وجود ندارد. چنان که در جدول شماره ۳ مشاهده می شود، میزان ضریب همبستگی بین دین داری و آگاهی از حقوق اجتماعی ۰/۰۷۶ بوده که در سطح ۰/۱۸۴ معنی دار نمی با شد. بنابراین فرض تحقیق رد و فرض صفر تأیید می شود. بنابراین بین دین داری و میزان آگاهی از بعد اجتماعی حقوق شهروندی رابطه ای وجود ندارد. میزان ضریب همبستگی بین دین داری و آگاهی از حقوق فرهنگی ۰/۱۵۳ بوده که در سطح ۰/۰۰۵ معنی دار است، بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید شده و می توان گفت بین دین داری و میزان آگاهی از بعد فرهنگی حقوق شهروندی رابطه معنادار وجود دارد. میزان ضریب همبستگی بین دین داری و آگاهی از حقوق جنسیتی ۰/۰۳۵ بوده که در سطح ۰/۵۳۶ معنی دار نیست، بنابراین فرض تحقیق رد و فرض صفر تأیید شده و می توان گفت بین دین داری و میزان آگاهی از بعد جنسیتی حقوق شهروندی رابطه ای وجود ندارد.

جدول۳– آزمون رابطه بین دین داری و ابعاد حقوق شهروندی

	R	R^2	$Adj.R^2$	اشتباه استاندارد	B	بتا	F	t	Sig
آگاهی از حقوق مدنی	۰/۰۰۸	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۳	۱۶/۱۰۱	۰/۰۴۲	۰/۰۰۸	۰/۰۲۰	۰/۱۴۰	۰/۸۸۹
آگاهی از حقوق سیاسی	۰/۰۸۹	۰/۰۰۸	۰/۰۰۵	۱۶/۰۳	۰/۴۵۷	۰/۰۸۹	۲/۴۱۸	۱/۵۵	۰/۱۲۱
آگاهی از حقوق اجتماعی	۰/۰۷۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۳	۱۶/۰۵۵	۰/۲۴۹	۰/۰۷۶	۱/۷۷۵	۱/۳۳	۰/۱۸۴
آگاهی از حقوق فرهنگی	۰/۱۵۳	۰/۰۲۳	۰/۰۲۰	۱۵/۹۱	۰/۶۶۲	۰/۱۵۳	۷/۳۰۹	۲/۷۰۳	۰/۰۰۵
آگاهی از حقوق جنسیتی	۰/۰۳۵	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۲	۱۶/۰۹۱	۰/۱۹۳	۰/۰۳۵	۰/۳۸۳	۰/۶۱۹	۰/۵۳۶

در جدول شماره ۴ نتایج تحلیل رگر سیون میان دین داری و آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی مشاهده می شود. نتایج گویای آن است که دین داری رابطه نسبتاً ضعیفی با آگاهی از حقوق شهروندی دارد (**R** =۰/۰۹۷). با توجه به مقدار **R^2** =۰/۰۰۹، دین داری تنها ۰/۰۹درصد از واریانس متغیر وابسته را در نمونه تبیین می کند که این میزان برای کل جامعه آماری ۰/۰۶ درصد می

باشد. مقدار ضریب بتا **Beta** =۰/۰۹۷ گویای وجود رابطه مثبت و مستقیم میان دو متغیر است. مقدار **B** =۰/۱۱۲ گویای آن است که به ازای هر واحد افزایش در متغیر مستقل (دین داری) ۰/۱۱۲ واحد به متغیر وابسته (آگاهی از حقوق شهروندی) اضافه می شود. مقدار **T** =۱/۶۹ و سطح معناداری **Sig** =۰/۰۵۰ رابطه میان متغیر دین داری و آگاهی از حقوق شهروندی را معنادار می داند. بنابراین، فرضیه ما تأیید می گردد.

جدول ۴– ضریب همبستگی پیرسون میان دین داری و آگاهی از حقوق شهروندی

	R	R^2	$Adj.R^2$	اشتباه استاندارد	B	بتا	F	t	Sig
دین داری	۰/۰۹۷	۰/۰۰۹	۰/۰۰۶	۱۶/۰۲۶	۰/۱۱۲	۰/۰۹۷	۲/۸۸	۱/۶۹	۰/۰۵۰

چنان که در جدول شماره ۵ مشاهده می شود، میزان ضریب همبستگی بین آگاهی از حقوق شهروندی و بعد اعتقادی دین داری ۰/۱۱۵ بوده که در سطح ۰/۰۴۴ معنی دار است، بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید شده و می توان گفت بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی و بعد اعتقادی دین داری رابطه معنادار وجود دارد. میزان ضریب همبستگی بین آگاهی از حقوق شهروندی و بعد پیامدی دین داری ۰/۰۳۳ بوده که در سطح ۰/۵۶۶ معنی دار نیست، بنابراین فرض تحقیق رد و فرض صفر تأیید شده و می توان گفت بین آگاهی از حقوق شهروندی و بعد پیامدی دین داری رابطه ای وجود ندارد. میزان ضریب همبستگی بین آگاهی از حقوق شهروندی و بعد عاطفی دین داری ۰/۲۳۱ بوده که در سطح ۰/۰۰۰ معنی دار است، بنابراین فرض صفر رد و فرض تحقیق تأیید شده و می توان گفت بین میزان آگاهی از حقوق شهروندی و بعد عاطفی دین داری رابطه معنادار وجود دارد. میزان ضریب همبستگی بین آگاهی از حقوق شهروندی و بعد مناسکی دین داری ۰/۰۳۰ بوده که در سطح ۰/۶۰۱ معنی دار نیست، بنابراین فرض تحقیق رد و فرض صفر تأیید شده و می توان گفت بین آگاهی از حقوق شهروندی و بعد مناسکی دین داری رابطه ای وجود ندارد.

جدول ۵– آزمون رابطه بین آگاهی از حقوق شهروندی و ابعاد دین داری

	R	R^2	$Adj.R^2$	اشتباه استاندارد	B	بتا	F	t	Sig
بعد اعتقادی	۰/۱۱۵	۰/۰۱۳	۰/۰۱۰	۱۳/۸۴	۰/۲۶۵	۰/۱۱۵	۴/۱۰۹	۲/۰۲۷	۰/۰۴۴
بعد پیامدی	۰/۰۳۳	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۲	۱۳/۹۳	-۰/۱۱۴	-۰/۰۳۳	۰/۳۳۰	-۰/۵۷۵	۰/۵۶۶
بعد عاطفی	۰/۲۳۱	۰/۰۵۴	۰/۰۵۰	۱۳/۵۶	۰/۶۳۵	۰/۲۳۱	۱۷/۲۶۴	۴/۱۵	۰/۰۰۰
بعد مناسکی	۰/۰۳۰	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۲	۱۳/۹۳	-۰/۶۰۸	-۰/۰۳۰	۰/۲۷۴	-۰/۵۲۳	۰/۶۰۱

نتیجه گیری

حقوق شهروندی که مجموعه ای از حقوق عمومی و خصوصی را تشکیل می دهد، بیانگر حقوق ذاتی، فطری و طبیعی انسان ها در دل اجتماع است. این حقوق برخاسته از حیثیت انسانی و کرامت ذاتی بشر است و در حالت معمول، قابل سلب از شهروندان نیست و دولت ها همواره ملزم و مکلف به حفظ و رعایت این حقوق هستند.

نقش مهم دین در شکل گیری باورها، ارزش ها و در نهایت آگاهی انسان ها از حقوق شهروندی غیرقابل انکار است. از آنجا که هنوز دین داری بنا بر دیدگاه دورکیم عامل همبستگی اجتماعی است، شناخت و بررسی رابطه این دو مفهوم ضرورت دارد. دین در همه ادوار عنصر تشکیل دهنده شهروندی در جامعه بوده است. هر جامعه ای با توجه به زمینه های دینی و فرهنگی خود، نیاز به شهروندانی دارد تا بتوانند در چارچوب وظایف جامعه عمل کنند. به همین دلیل دین در شناخت شهروندان از وظایفشان نقش بسزایی داشته است. بدیهی است که برای تشکیل جامعه ای که ساختارهایی متناسب با ارزش های آن داشته باشد، توجه به ابعاد شهروندی افراد دارای اهمیت است.

این پژوهش با هدف بررسی رابطه دین داری و تأثیر آن بر آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس انجام گردید. در ابتدا پس از مطالعه مقدماتی، پیشینه تحقیقات در حوزه مورد نظر بررسی شدند. از روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه برای جمع آوری داده ها بهره گرفته شد. جامعه آماری، تمام دانشجویان دانشگاه پیام نور بندرعباس را در برمی گرفت. با توجه به تنوع رشته ها و ناهمگنی جامعه آماری، از روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی ساده استفاده شده است. حجم نمونه نیز **n**=۳۰۷ برآورد گردید. داده های گردآوری شده از نظر آماری برای آزمون فرضیه ها مورد بررسی قرار گرفتند و نتایج زیر به دست آمد.

نتایج پژوهش نشان داد که سطح دین داری ۱۶/۳ در صد افراد نمونه بالا، ۶۸/۷ در صد متوسط و ۱۵ در صد افراد سطح دین داری شان ضعیف بوده است.

بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی نشان داد که ۱۲/۱ درصد از دانشجویان آگاهی کم، ۷۷/۵ درصد آگاهی متوسط و ۱۰/۴ درصد آگاهی بالایی داشتند.

به طور کلی یافته های پژوهش حاکی از آن است که دین داری و ابعاد مختلف آن به جز بعد پیامدی و مناسکی با آگاهی از حقوق شهروندی ارتباط معناداری دارد و رابطه ای مستقیم و مثبت بین آنها حاکم می باشد. بدین معنا که با افزایش بعد اعتقادی و عاطفی افراد، آگاهی آنان از حقوق شهروندی بیشتر می شود و بالعکس. بر این اساس می توان گفت ابعاد درونی دین‌داری (اعتقادی و عاطفی) قدرت پیش‌بینی بیشتری نسبت به ابعاد بیرونی (مناسکی و پیامدی) دارند. این یافته با رویکرد لنسکی و تمایز وی میان درگیری مشارکتی و معاشرتی در دین همخوانی دارد. در این زمینه نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق شیرعلیزاده و همکاران (۱۳۹۳) هماهنگ می باشد. از نتایج دیگر این تحقیق این است که از بین تمام ابعاد آگاهی از حقوق شهروندی تنها بعد آگاهی از

حقوق فرهنگی با دین داری ارتباط معناداری دارد. بنابراین تأیید رابطه دین‌داری با آگاهی از حقوق فرهنگی به تنهایی، نشـــان‌دهنده تقاطع مهم بین هویت دینی و حوزه‌های فرهنگی شهروندی ا ست. این رابطه از منظر نظریه دورکیم قابل تف سیر ا ست: دین عامل ا سجام فرهنگی ا ست. وارور(۲۰۲۴) و اک سوی و ویتز(۲۰۲۴) نیز این ارتباط انتخابی دین‌داری با حوزه‌های خاص شهروندی را تأیید می‌کنند.

به منظور افزایش میزان آگاهی دانشـجویان، برگزاری کلاســهای آموزشــی در زمینه حقوق و وظایف شــهروندی می تواند مؤثر باشد. ترغیب دانشجویان برای فراگیری حقوق شهروندی باعث افزایش مشارکت آنان در عرصه های اجتماعی، فرهنگی و طراوت زندگی شهری می شود. همچنین اجرای طرح های مشارکتی برای حضور بیشتر دانشجویان در فعالیت های اجتماعی دانشگاهی، نقشی مؤثر در بالا بردن آگاهی آنان از حقوق شهروندی دارد. لذا توجه نهادهای آموزشی (دانشگاه ها، مدارس) به استفاده از اصول حقوق شـــهروندی در کتب، مقالات و کلاس های درس، همچنین آموزش حقوق شـــهروندی در دوران کودکی و نوجوانی به خصوص توجه به این امر در محتوای دروس مدارس ضروری به نظر می رسد.

گسترش اصول حقوق شهروندی در تمامی مشاغل اجتماعی که این مهم از طریق اقدامات سازمان های اجتماعی (صدا و سیما، آموزش و پرورش، شهرداری، مؤسسات غیردولتی، شورای شهر و...) قابل دسترسی خواهد بود.

فهرست منابع؛

۱. آرون، ریمون (۱۳۷۰). مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: آموزش انقلاب اسلامی.

۲. بابایی، مظهر، صالحی، پرستو (۱۴۰۴) شناسایی شاخصه ها، چالش ها و راهکارهای دین داری در جامعه امروز در میان جوانان از منظر دانشجویان، جامعه پژوهش فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۶(۴)، ۱-۳۲.

۳. بهرامی، ولی، تاج مزینانی، علی اکبر، امیری، حسین (۱۳۹۶). تحلیل میزان عوامل مؤثر بر آگاهی از شهروندی در بین دانش آموزان (مورد مطالعه: شهرستان پلدختر)، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۱، تابستان، صص ۸۱-۱۱۶.

۴. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰). جامعه شناسی دینی، تهران: نشر سخن.

۵. حشمت یغمایی، محمد تقی (۱۳۸۰). دینداری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

۶. حقیقتیان، منصور، عزیزی، ابوطالب، محمودیان، حمید (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر انواع دینداری جوانان (نمونه مورد مطالعه: جوانان شهر شیراز)، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، ۹(۴)، پیاپی ۳۱، ۱-۲۸.

۷. دورکیم، امیل (۱۳۸۳). صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.

۸. ذوالفقاری، اکبر، عشایری، طاها (۱۴۰۱). فراتحلیل عوامل مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی در بین ایرانیان، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲۲(۸۶)، ۲۶۹-۳۱۲.

۹. ربانی، علی، گنجی، محمد (۱۳۸۷). تحلیلی بر رابطه دینداری و سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان، فصلنامه علوم اجتماعی، ۴۱، ۳۵-۶۵.

۱۰. روشه، گی (۱۳۷۶). جامعه شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر تبیان.

۱۱. ریتزر، جورج (۱۳۷۹). نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

۱۲. ریتزر، جورج (۱۳۸۳). نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

۱۳. سالاری، محمد، صفوی سهی، مریم (۱۳۹۶). نقش نهاد شورای اسلامی شهر در اعتلای حقوق شهروندی، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، شماره ۵.

۱۴. سجادی، ژیلا، واحدی یگانه، فرید (۱۳۹۶). بررسی و سنجش میزان آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی و قوانین شهری با هدف دستیابی به زندگی شایسته (مطالعه موردی: شهر سنندج). فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، دوره نهم، شماره ۳۴، زمستان، صص ۱-۲۲.

۱۵. سراج زاده، سید حسن (۱۳۷۷). نگرش ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهران و دلالت های آن بر نظریه سکولار شدن، نمایه پژوهش، شماره ۷و ۸.

۱۶. شجاعی زند، علیرضا، شریعتی مزینانی، سارا، حبیب زاده خطبه سرا، رامین (۱۳۸۵). بررسی وضعیت دین داری در بین دانشجویان، فصلنامه مطالعات ملی، ۲۶، ۷(۲)، ۵۵-۸۲.

۱۷. شجاعی زند، علی رضا (۱۴۰۴). بازیابی و بازخوانی مطالعات دین داری در ایران؛ پیمایش های ضمنی دین داری، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، ۱۶(۲)، ۱۵۳-۱۸۳.

۱۸. شیانی، ملیحه (۱۳۸۱). شهروندی و رفاه اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۴.

۱۹. شیرعلیزاده، حسن، عظیمی، لیلا، رسول زاده اقدم، صمد (۱۳۹۳). بررسی جامعه شناختی رابطه بین دینداری با آشنایی به حقوق شهروندی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال)، مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۱(۴۱)، ۵۵-۶۶.

۲۰. فالکس، کیث (۱۳۸۴). حقوق شهروندی، ترجمه عبدالعزیز ویسی، تهران: انتشارات سیروان.

۲۱. فالکس، کیث (۱۳۸۱). شهروندی، مترجم: محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.

۲۲. فتحی، مرضیه، مطلق، معصومه (۱۳۹۵). بررسی جامعه شناختی آگاهی از حقوق شهروندی در بین دانشجویان دانشگاه کردستان، فصلنامه پژوهش های جامعه شناختی، ۱۰(۱).

۲۳. فیلیوجرگ، نبست (۱۳۸۱). جامعه مدنی از چند نگاه، رضا استاد رحیمی، همشهری

۲۴. کوشا، حامد، اسماعیلی، محمدجواد (۱۴۰۴). فرهنگ دانشگاهی و تغییرات دین داری دانشجویان: یک مطالعه کیفی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۸(۲)، ۱۴۷-۱۸۶.

۲۵. کوزر، لوئیس (۱۳۷۷). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

۲۶. متولیان، سیدمهدی، حسینی شیروانی، سیدمهدی، نوری، زهرا (۱۳۹۸). رابطه جنسیت، وضعیت تأهل و شیوه اعمال قدرت در خانواده با دین داری دانشجویان دانشگاه مازندران، جامعه شناسی کاربردی، تابستان ، ۳۰، ۲(۷۴)، ۲۹-۴۶ .

۲۷. میرفردی، ا صغر، ولی نژاد، عبدالله (۱۳۹۵). مطالعه نقش تفاوت های جن سیتی در ابعاد دین داری داﻧشجویان، پژوهش نامه ا سلامی زنان و خانواده، پاییز و زم ستان، ۴(۱۷)، ۹۰-۷۳.

۲۸. نوابخش، مهرداد (۱۳۸۵). بررسی مفهوم شهر و شهروندی از دیدگاه جامعه شناسی، فصلنامه تخصصی جامعه شناسی، ۲(۱).

۲۹. نیازی، محسن (۱۳۹۵). جامعه شناسی شهروندی، تهران: انتشارات سخنوران.

۳۰. وبر، ماکس (۱۳۸۲). دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات هرمس.

۱. **-Aksoy, O., & Wertz, D. (۲۰۲۴). The impact of religious involvement on trust, volunteering, and perceived cooperativeness: Evidence from two British panels. European Sociological Review, ۴۰(۱), ۱۴۳–۱۵۹.** https://doi.org/۱۰.۱۰۹۳/esr/jcad۰۲۴

۲. **-Dahrendorf,R (۱۹۹۴). Citizenship and Byond: Byond :The social Dynamics of an Idea. In B.S Turner and P.Hamilton(ed) Citizenship Critical Consept, London:Routledge.**

۳. **-Friedmann,J (۲۰۰۲). The Prospect of Cities. Minneapolis: University of Minnesota Press. P ۱۶۸.**

۴. **-Glock,C.Y., &Stark,R. (۱۹۶۵). Religion and Society in Tension, Chicago: Rand McNally and Company Translated by R.Nice, Harvard University Press.**

۵. **-Inglehart, R. (۲۰۱۸). Cultural Evolution: People's Motivations Are Changing, and Reshaping the World. Cambridge: Cambridge University Press.** https://doi.org/۱۰.۱۰۱۷/۹۷۸۱۱۰۸۸۸۰۹۳۰

۶. **Inglehart, R. (۲۰۲۱). Religion's Sudden Decline: What's Causing it, and What Comes Next?. Oxford: Oxford University Press.** https://doi.org/۱۰.۱۰۹۳/oso/۹۷۸۰۱۹۷۵۴۷۰۴۵.۰۰۱.۰۰۰۱

۷. **-Janoski, T (۱۹۹۸). Citizenship and Civil Society,Cambridge: Cambridge University Press.**

۸. **-Lim,C., &Wertz, D. (۲۰۲۴). Civic lessons that last? Religiosity and volunteering on the way to adulthood. American Sociological Review,۸۹(۴), ۶۸۴–۷۰۷.** https://doi.org/۱۰.۱۱۷۷/۰۰۰۳۱۲۲۴۲۴۱۲۵۸۷۹۱

۹. **-Lin, Y., Aigerim, D., Ghayas, S., Malik, M, & Niazi, S. (۲۰۲۵). Personal and institutional factors as determinants of civic engagement among university students. Frontiers in Psychology, ۱۶, ۱۵۱۷۳۱۹.** https://doi.org/۱۰.۳۳۸۹/fpsyg.۲۰۲۵.۱۵۱۷۳۱۹

۱۰. **-Turner,B.S (۲۰۰۸). Rights and Virtues: Political Essays on Citizenship and Social Justice. Oxford: Bardwell Press.**

۱۱. **-Tatala, M, Kiamut, R., &Timoszyk-Tomczak, C. (۲۰۲۴). Personal aspects of religiosity and civic engagement: The mediating role of prayer. Religions, ۱۵(۲), ۱۹۲.** https://doi.org/۱۰.۳۳۹۰/rel ۱۵۰۲۰۱۹۲

۱۲. **-Warwer, F. (۲۰۲۴). The relationship between the religiosity and integrity of young generations in Papua, Indonesia. Religions, ۱۵(۷), ۸۳۹.** https://doi.org/۱۰.۳۳۹۰/rel ۱۵۰۷۰۸۳۹

۱۳. **-Zembylas, M, &Loukaidis, L. (۲۰۱۸). Energing relationships between religious education and citizenship education: Teachers perceptions and political dilemmas in Cyprus. British Journal of Religious Education, ۴۰(۲), ۱۶۹-۱۸۱.**